



نقش هنر و ادبیات (شعر، داستان و ...) در فرایند هویت یابی کودکان

عبدالکریم خداخواه

کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی ،
مدیر دبستان حکمت و پیش دبستانی اندیشه فردا ، اشنویه، ایران
k_khodakha@yahoo.com

مصطفی شیخ زاده

استادیار گروه علوم تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ارومیه، ایران
نویسنده مسئول: m.sheikhzadehir@gmail.com

پریسا مقصدعالی

کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه

چکیده

مسئله هویت یابی کودکان موضوعی است که در رابطه با آن پژوهش های زیادی نگارش می شود. همچنین در رابطه با مسئله نقش هنر و ادبیات و بررسی روابط و تاثیرات آنها بر روی هم نیز جای بسی تامل است. پژوهشگران در رشته روانشناسی همواره بررسی های علمی و پژوهشی خود را در این رابطه در معرض مخاطبین این رشته قرار داده اند. در مقاله حاضر نیز تلاش شده است که این موضوع بیشتر و دقیق تر بسط داده شود. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه ی گرد آوری اطلاعات، از نوع مروری تحلیلی میباشد. جامعه این تحقیق شامل کلیه ی مدارک و مستندات موجود در رابطه با این موضوع بوده است. فرایند هویت مشخص می کند که فرد از لحاظ روانی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد، به بیان دیگر، هویت یابی، کنشگر اجتماعی را قادر می سازد که برای پرسش های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخ مناسب و قانع کننده ای پیدا کند. با توجه به منابع نظری و تئوری درباره هویت یابی کودکان و نقش هنر و ادبیات می توان گفت نظرات پژوهشگران رشته روانشناسی پیرامون مقوله های ارائه شده در این رابطه کاملا صحیح و مبتنی بر واقعیت است. از این رو پیشنهاد می شود نویسندگان کتب ادبیات کودک و متخصصان تعلیم و تربیت، شرایطی را، اتخاذ نمایند که کودکان با این مولفه ها آشنا شده و در جهت تقویت گرایش فطری و کمک به شکل گیری هویت در آنها، سازو کارهای آموزش عینی مولفه های هویت را برای دانش آموزان طراحی و تقویت کند. و همچنین لازم است مباحث هویت یابی کودکان و نقش هنر و ادبیات در مراکز آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی مطرح گردد.

کلیدواژه ها : هنر و ادبیات، فرایند هویت یابی، کودکان.

مقدمه

هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات و هستی گفته می‌شود. مسئله هویت را می‌توان از دو منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرد. اولین کسانی که به مسئله هویت پرداختند روان‌شناسان بودند. روان‌شناسان برای تبیین مراحل رشد ذهنی و شکل‌گیری مفهوم خود، و جامعه‌شناسان به دلیل شرایط اجتماعی و ورود به یک دوره مدرن به صورت فردی و اجتماعی به این مسئله پرداختند (شاد قزوینی، ۱۳۹۴).

متفکران زیادی از جمله تاجفل، استرایکر، اسمیت، مارسیا، تیلور، گلاسر و متفکران پست مدرن به نظریه پردازی و مدل پردازی پیرامون مفهوم هویت در زمینه‌های گوناگونی از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، ادبیات و علوم سیاسی پرداخته‌اند. با این حال یکی از حوزه‌هایی که مفهوم هویت به شکل جدی می‌تواند در آن در نظر گرفته شود ادبیات و هنر است. ادبیات هر کشور، دربردارنده‌ی میراث فرهنگی آن کشور است و گونه‌ای پیوند بین فرهنگ گذشته و حال را می‌تواند ایجاد کند. به بیانی، ادبیات، شناسنامه و هویت هر ملت است که در سیر تاریخی به نمایش درآمده، از این رو دربردارنده‌ی عنصرهای هویتی بسیاری است و می‌تواند در شکل دادن به هویت فعلی جامعه اثر گذار باشد.

ادبیات همواره با پرسش‌های مربوط به هویت سروکار داشته است و اثرهای ادبی به کنایه یا به روشنی، طرح پاسخی به این پرسشها را در افکنده‌اند. در اثرهای ادبی، گونه‌های الگوهای شکل‌گیری هویت به شکل پوشیده، ارائه شده‌اند. ادبیات جز اینکه هویت را درونمایه خود ساخته، سهم مهمی در ساختن هویت خوانندگان خود داشته است (کالر، ۱۳۸۵).

و هنر نیز به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی هویت خاص خود را دارد. صفت مشخصه‌ی هنر، به مثابه یک رسانه‌ی فرهنگی، آن است که بازتاب‌دهنده‌ی هویت چیزها و هویت انسان در آثار خود است. از یک لحاظ رساترین رسانه‌ای است که هویت‌ها در آن از صافی هویت چیزها و هنرمند می‌گذرند و تجلی هنری می‌یابند. بخشی از خود ویژگی اثر هنری و زمینه‌ی زیباشناختی آن در گرو تناسب و موزونی (هارمونی) این هویت‌های متکثر مندرج در اثر هنری است. این تکثر و تجمع عناصر هویتی در اثر هنری به آن خصلت کلی می‌دهد، اثر را فراگیر می‌کند (نکته‌ای که ارسطو در بوطیقا به آن اشاره دارد) (عبادیان، ۱۳۸۷).

علاوه بر این یک عامل دیگر نیز در کلیت‌بخشی به هویت انسان در اثر هنری نقش دارد و آن این واقعیت است که انسان به عنوان موجود اجتماعی دارای هویتی خصلتاً متکثر است: هویت شخصی، اجتماعی، مدنی، شهروندی، سیاسی، ملی، نژادی و نظایر آن. از آنجا که هنر عزم تصویر انسان را در کلیت وی دارد، طبیعی است که هویت چندگان او مورد توجه هنرمند باشد (به ویژه در قلمرو ادبیات، زیرا در آن شخصیت‌پردازی در واقع معرف زنجیره‌ی هویت‌های انسان و چیزهای گذشته است).

در این میان یکی از کسانی که بیش از همه به بحث و بررسی در زمینه هویت پرداخته، اریکسون می‌باشد. اریکسون مدلی از چرخه زندگی را توصیف نمود که هشت مرحله دارد و از کودکی تا بزرگسالی و پیری ادامه می‌یابد. این مراحل، هر یک دارای جنبه‌های منفی و مثبت و بحرانهای هیجانی خاصی هستند و تحت تاثیر تعامل بیولوژی، فرهنگ و جامعه شخص است. هر مرحله دو پیامد ممکن دارد، یکی مثبت یا سالم و دیگری منفی یا ناسالم، تحت شرایط ایده آل، وقتی شخص به سطح عملکرد بالاتر در انتهای مثبت مرحله رشد می‌رسد، این بحرانها حل می‌شود. پنجمین مرحله از رشد شخصیت انسان که از سن ۱۱ سالگی تا آخر نوجوانی را شامل می‌شود مرحله هویت‌یابی در مقابل سردگمی نقش می‌باشد.

بر اساس نظریه هویت‌یابی فروید، کودک شخصیت‌های بیرونی و معمولاً فراخود والدین را درونی یا رد می‌کند. در واقع، به ارزش‌های منحصر به فردی اشاره می‌کند که با گذشت منحصر به فرد مشخص به وجود آمده است.

بنابراین مسئله هویت‌یابی کودکان یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که جای بحث دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در نظرات اندیشمندان و پژوهشگران رشته روانشناسی دارد. آنچه حائز اهمیت است پرداختن به مسئله هویت‌یابی کودکان و همچنین موضوعاتی چون نقش هنر و ادبیات می‌تواند افق‌های تازه‌ای را در عرضه روانشناسی در پیش روی اندیشمندان باز کند. بنابراین نیاز است که به مسئله هویت‌یابی کودکان و نقش هنر و ادبیات (شعر، داستان، ...) به صورت گسترده تری پرداخته شود و این موضوع به مسائل پیش رو و چشم‌اندازهای پژوهشی آتی بسط داده شود. (آذری، ۱۳۹۵)

ادبیات کودک و نوجوان گونه‌ای از ادبیات است که جداسازی آن از بخشهای دیگر ادبیات با سن مخاطبان آن انجام میشود. این گونه ادبی هنگامی پدید آمد که بزرگسالان متوجه شدند کودکان و نوجوانان به سبب گنجایشهای شناختی و ویژگیهای

رشدی خود آمادگی پذیرش متنهای سنگین را ندارند و به متنهایی نیاز دارند که پاسخگوی دوره رشد آنها باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶).

اهمیت ادبیات و هنر در شکل دهی به شخصیت معنوی و اخلاقی انسان در دوره ی کودکی و تاثیر شدید آن بر کودکان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده و در این زمینه بحث های زیادی صورت گرفته و نظرهای گوناگونی داده شده است که بعضی از آنها هنوز هم از اعتبار و ارزش بالایی برخوردارند. یکی از آن سخنان، مربوط به فیلسوف و اندیشمند بزرگ یونانی، افلاطون است. وی در کتاب جمهوریت معتقد است که «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می کنند به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می کند (بخشنده بالی، ۱۳۸۵).

استاد شهید مطهری در پاورقی کتاب اصول فلسفه و و روش رئالیسم، نوشته ی علامه طباطبایی در خصوص کارکرد و ارزش ادبیات معتقد است که «تاثیر ادبیات در روحیه و اخلاق و اوضاع زندگی بشر و در تحولات تاریخی که در اجتماع بشری رخ داده، اگر بیشتر از عقل و استدلال نباشد، کمتر نیست. گاه اتفاق می افتد که یک شعر یا ضرب المثل که فقط ارزش شعری و ادبی دارد، پایه و روحیه ملتی را تشکیل می دهد .

یکی از عرصه های ادبیات، داستان های کودکان است. با توجه به اثرپذیری کودکان از داستان و از طرفی نیروی پذیرندگی بالای آنها در دوره ی کودکی، این داستانها می تواند در شکل گیری هویت کودکان موثر باشد. پژوهشهای به عمل آمده نشان می دهد که قصه های زیبا و واقعی در رشد شخصیت و رفتار کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی داشته و از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است. داستانهای واقعی و قرآنی به کودکان و نوجوانان کمک می کند تا شناخت لازم را از خود به دست آورند یا به ویژگیهای خاص شخصیتی خود پی ببرند و درک بهتری از پیچیدگی فکر، رفتار انسان و ارتباط این رفتار با ویژگیهای شخصیتی به دست آورند و به این ترتیب به سلامت فکری لازم برسند. شناخت از خود با مطالعه ی داستان یا شنیدن داستانها از راه تعامل با شخصیت یا شخصیتهای داستان به دست می آید و چون شناخت از خود، کلیدی برای حل مشکلات است، در صورت توصیه ی داستانها یا داستانگویی، باید دقت شود که محتوای داستان، کودک و نوجوان را به سوی کسب این شناخت هدایت نماید (علائدین، ۱۳۸۴).

در تحقیق مهنا (۱۳۹۱) که با هدف بررسی راهکارهای تقویت هویت دینی در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه آموزگاران و مدیران مدارس ابتدایی شهرستان لالچین صورت گرفته یافته ها نشان می دهد که از نظر مدیران و آموزگاران، کتاب های درسی دوره ابتدایی در حد نسبتاً بالایی توانسته است دانش آموزان را با مولفه های هویت دینی از قبیل، خداشناسی، آخرت گرایی، اولیای دینی، احکام دینی، مفاخر مذهبی، قرآن و سنت، اخلاقیات اسلامی، مناسبت های دینی، نمادهای دینی، آداب و مهارت های اسلامی (طرح کرامت) و نماز جماعت آشنا کند و نقش اساسی در آموزش عینی این مفاهیم به دانش آموزان دوره دبستان را داشته باشد (مهنا، ۱۳۹۱).

در تحقیقی دیگر رئوفی منش (۱۳۹۰) که به بررسی جایگاه هویت فرهنگی ایران در کتابهای کودکان پرداخته، یافته ها نشان می دهد هفت مولفه در زمینه هویت فرهنگی شامل، مولفه های علاقه به آداب و رسوم و سنت های ملی با ۳۴ درصد و علاقه به زبان و ادبیات با ۳۲ درصد دارای بالاترین درصد فراوانی بوده است (رئوفی، ۱۳۹۰).

اگر کودکان و نوجوانان، با داستانهای مناسب بتوانند وجه اشتراکی بین احساسات، توانمندیها یا مشکلات خود و شخصیتهای داستان پیدا کنند، شناخت بهتری نسبت به آن حالتها به دست می آورند و به صحبت کردن درباره ی آنها می پردازند، در نتیجه بینش لازم نسبت به این امور را کسب می کنند و در صورت بروز مشکلات می توانند به حل آن بپردازند (همانند سازی) و نتیجه ی آن یعنی (شناخت) و امکان بحث و برونریزی احساسات یعنی (تخلیه هیجانات) از جمله مزایای داستانخوانی یا دیدن و شنیدن آنها برای رشد شخصیت و حل مشکلات هستند. گاهی با طرح یک خاطره و یا داستان میتوان فردی را که ماهها و سالها دچار بی هویتی و افتادن به کژ راهه شده و معنایی برای زندگی جاوید خود نداشته به حیات جاودان امیدوار کرد. (گل محمدی، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه تعداد کمی از نظریه پردازان در حوزه نقش هنر و ادبیات در هویت یابی کودکان مطالعه و فعالیت کرده اند و با توجه به اهمیت مسئله هویت در زندگی افراد، به خصوص کودکان، محقق بر آن شد، تا در فرصتی که پیش آمده نقش هنر و ادبیات را در هویت یابی کودکان مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از بحران های عصر کنونی، احساس پوچی، سرگردانی و بی هدفی است. هویت هر ملت، جدا از تعینی که در رفتارهای فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی دارد، جلوه هایی از تعین خود را در بیان هنری می یابد. ادبیات به عنوان هنر کلامی در مقایسه با سایر هنرها، بیشترین قدرت بیان و تحلیل هویت را دارد (برکت، ۱۳۸۶). در واقع مقوله نقش هنر و ادبیات از دیدگاه پژوهشگران مسئله ای غیر قابل اجتناب پیرامون هویت کودکان می باشد. به نظر می رسد که جامعه ادبی کشور از اتفاقات روز ادبیات کودک و نوجوان دور هستند و مسائل و مشکلاتی مطرح می شود که مربوط به سال ها پیش است و این در حالی است که ادبیات روز از نوین ترین مسائل در دنیاست.

توجه به روانشناسی کودک و نوجوان و شناخت بحران های هویتی و اجتماعی آنان از اصول مهمی است که باید در نوشتن آثار برای کودکان در نظر داشت. مشکل اساسی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان وضعیت کنونی ادبیات را تهدید می کند، استفاده نکردن از متخصصانی است که در حوزه ادبیات کودک فعالیت های نوینی را پس از انقلاب شکل داده اند. اگرچه در حال حاضر، چندین نشریه معتبر علمی مفید در عرصه ادبیات کودک و نوجوان داریم و با رشد چشمگیری در این زمینه روبه رو هستیم، کتب کودک به طور کامل به ذهنیت کودکان نزدیک نشده است. امیدوارم این مقاله بتواند راهکاری در اختیار نویسندگان ادبیات کودک قرار دهد تا از آنها استفاده شود.

چارچوب مفهومی هویت

هویت در نحوه پاسخدهی به سؤال «من کیستم» مشخص می شود، که در پاسخ به آن نیز «من هستم» بروز می یابد. هویت به این معنی است که من خود را چگونه می بینم و دیگران را چگونه می بینم، پس هویت شامل دو بعد درونی و برونی است (روحانی، ۱۳۹۰). هویت دو معنای اصلی دارد، اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز برمی گردد. هویت از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی آید. برآورده شدن این نیاز، «خودآگاهی فردی» را در انسان سبب می شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می کند (بلباسی، ۱۳۹۰).

هویت یابی و شخصیت

هویت پرسی از زمان مطرح شدن «نظریه ی قرارداد اجتماعی»^۱ زمینه یافته است، که در رابطه با آن رابطه ی فرد با خویشتن خود، با دیگری (و گروه) اهمیت اجتماعی کسب کرده است. هویت یا این همانی موضوع یا پدیده است یا خویشتن. یعنی وجود رگه های ثابت طبیعت آن در درازای کلیت وجودی آن. حرکت از هویت و پذیرش خود این همانی آن شرط ضروری اذعان به وجود عینی هویت و شرط لازم برای بررسی کلیت و چگونگی آن است. البته یک موضوع از لحاظ شناختی وقتی برخوردار از خودهویتی یا این همانی با خود است که از تفاوت صفات، کنش و واکنش آن در گذر زمان انتزاع به عمل آید و به طور محض، امر واقع آن من حیث هو آن در نظر گرفته شود (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰).

رشد شخصیت و هویت یابی انسان حاصل یک روند همیشگی و دائماً متحول در حیات فرد و در برگیرنده تلاش انسان برای کنار آمدن با مسائل مربوط به مراحل مختلف رشد اوست، مستقل از این که شخصیت را چگونه تعریف می کنیم، درک این نکته بسیار مهم است که این ها مقولاتی ایستا و ناب نیستند. بلکه در حوزه فرهنگی که فرد در آن زندگی می کند شکل گرفته و

^۱ - مسئله «قرارداد اجتماعی»، مبحثی است که سه اندیشمند و نظریه پرداز غربی، توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو در کتاب و نوشته های خود به بسط و توضیح آن پرداخته اند.

دائماً تحول می‌یابند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که هر نوع تلاش انسان برای پیمودن این روند در واقع به معنای ایجاد تغییر در توابع فرهنگی جامعه نیز هست. بنابر نظریات اریکسون^۲ (۱۹۷۸) انسان از بدو تولد تا رسیدن به سن پیری هشت مرحله مختلف رشد هویت را پشت سر می‌گذارد و در هر مرحله ملزم به پاسخ‌گویی به نیازها، جریان اصلی و بحران‌های خاص هر دوره است تا در کنار آمدن با این‌ها بتواند هر مرحله را با سلامت و بشاشیت پشت سر بگذارد و به مرحله بعدی برسد. چگونگی پاسخ دادن به مسائل هر دوره تعیین‌کننده‌ی آن است که انسان با مسائل دوره بعدی چه طور روبرو شود. بنابراین یکی از راه‌های شناختن هر فردی، بررسی این موضوع است که وی در هر کدام از مراحل رشد تاکنونش چگونه با مسائل و بحران‌های آن دوره روبرو شده و چه‌طور با آن‌ها کنار آمده است؟ آیا قادر به حل کامل مسائل هر دوره بوده است؟ هر فردی برای کنار آمدن با مسائل خاص هر دوره از رشد هویت فردی‌اش تحت تاثیرات روابط متقابل «عوامل زیستی»، «عوامل روانی» و «توابع اجتماعی - فرهنگی» جامعه‌ای که در آن پرورش می‌یابد هدایت می‌شود. عوامل زیستی در برگیرنده‌ی مجموع غرایز و انگیزه‌های ارگانیک انسان است که به‌طور اکتسابی به او می‌رسند در حالی که عوامل روانی و اجتماعی - فرهنگی تحت تاثیر مجموعه‌ای از روابط کودک با محیط شکل گرفته و پرورش می‌یابند. به این معنا هر انسانی روند هویت‌یابی فردی خود را تحت تاثیر سه جهان زیستی، روانی و فرهنگی ساخته و می‌پرورد (بخشایش، ۱۳۹۰).

اریکسون (۱۹۷۸) در تحقیقات خود پیرامون چگونگی رشد هویت انسان در مراحل سنی مختلف از این هشت مرحله نام می‌برد و برای هر کدام اصلی‌ترین جریان رشد حاکم در هر مرحله را که باید به هر کدام جوابی در خور آن‌ها داد، به این شرح ارائه می‌دهد: در مرحله اول که از بدو تولد تا یک سالگی را شامل می‌شود، کودک نیاز به کسب امنیت خاطر و اعتماد اولیه در برابر احساس ناامنی و عدم اعتماد را دارد. در مرحله دوم که در برگیرنده‌ی سنین یک الی سه سالگی است کودک را در جریانی قرار می‌دهد که نیازمندی اصلی رشد سالم آن عبارت خواهد بود از کسب احساس تکیه دادن به خود در برابر احساس خجالت و تردید. مرحله سوم شامل سنین سه تا پنج سالگی می‌شود در این سنین کودک باید بتواند توانایی ابتکار فردی را در برابر گناه تجربه کند. مرحله چهارم در برگیرنده سنین شش تا یازده سالگی است اصلی‌ترین جریانی که کودک باید بتواند در این مرحله با آن کنار بیاید کسب کارآئی در برابر احساس ناتوانی و حقارت است. در مرحله پنجم در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی نوجوان رفته رفته نسبت به هویت خود آگاهی کسب می‌کند و باید بتواند در مقابل بی‌هویتی و سرگردانی به احساس هویت فردی دست بیابد. مرحله ششم سنین ۱۹ تا ۳۵ سالگی می‌باشد. این مرحله شروع دوره‌ای است که جریان رشد روانی و مشارکت با دیگران در برابر احساس انزوا است. مرحله هفتم: در برگیرنده سنین ۳۵ الی ۶۰ سالگی است که در این دوره بارآوری انسان آغاز می‌شود و جریان اصلی رشد روانی این دوره رسیدن به احساس بارآوری در برابر بی‌حاصلی است. در مرحله هشتم که از سن شصت سالگی به بعد شروع می‌شود، انسان باید بتواند به احساس کمال در برابر احساس سرخوردگی و یاس ناشی از ناکامی دست بیابد (ایروانی و یوسفی حمیدی، ۱۳۸۸).

بحران هویت

امروزه مساله غامض و پیچیده هویت یکی از دغدغه‌های فکری بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولتمردان و هنرمندان شده است. لازم به ذکر است که چالش‌های هویتی بسیار سرنوشت سازند زیرا بر شرط اصلی نیل به توسعه پایدار در یک کشور که تربیت نیروی انسانی کارآمد با گرایش‌های لازم فرهنگی، اجتماعی و... است، اثر گذار می‌باشند.

بنا به نظر لئونارد بایندر اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد باید پنج بحران را پشت سر بگذارد. این بحران‌ها عبارتند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع (Grotevant and Cooper, 1986). اصطلاح «بحران هویت» اولین بار توسط اریکسون مطرح شد. اریکسون (۱۹۶۸) وجود بحران را یک شرط اساسی برای تشکیل هویت می‌داند که پس از شکل‌گیری هویت برطرف می‌شود. بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم عمر حل شود تا فرد بتواند به مسائل زندگی بپردازد (Erikson, 1968).

² - Erikson

از نظر اریکسون مرحله بحران هویت زمانی به طور قطعی به اتمام می‌رسد که فرد هویت‌های کودکی خود را یکپارچه کرده و زیرمجموعه‌ای برای هویت کلی خویش ایجاد کند. هویت نهایی با غلبه بر همانندسازی‌های پراکنده افراد در گذشته تثبیت می‌شود. بحران هویت ممکن است در هر دوره‌ای بروز کند، اما احتمال به وجود آمدن آن در دوره نوجوانی بیشتر است (سلیمانی، ۱۳۸۹).

مارسیا^۳ معتقد است: دو متغیر در جریان وصول به هویت نقش دارند: بحران و تعهد. این دو متغیر، انتخاب شغل، مذهب و دیدگاه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنا بر نظر مارسیا، شکل‌گیری هویت در چهار وضعیت خلاصه می‌شود.

۱- **دست‌یابی به هویت:** افرادی که در این مرحله قرار دارند، پس از ارزشیابی دقیق بدیل‌های مختلف، مجموعه‌ای روشن از ارزش‌ها و باورها برایشان حاصل می‌شود. این افراد نسبت به هدف‌ها، ارزش‌ها و باورهای خود تعهد دارند. رسیدن به هویت، خود محرک انسجام روانی و سازگاری اجتماعی است. در این حالت، تعادل میان خود و ظرفیت‌های خود و ترکیب صحیح بین امکانات و فرصت‌ها میسر می‌شود. این افراد از سلامت روانی و سازگاری اجتماعی برخوردارند، در طول زمان از احساس یکسانی بهره‌مندند و می‌دانند راه به کجا می‌برند (لورا ای ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۶).

۲- **تعلیق هویت:** تعلیق هویت یک پیش‌شرط اساسی برای دست‌یابی به هویت است. نوجوانان و جوانانی که در حالت تعلیق هویت هستند، هنوز نتوانسته‌اند تصمیم روشنی برای مسائل اصلی زندگی خود بگیرند. در این مرحله از شکل‌گیری هویت، باورها، ارزش‌ها و اهداف مشخصی وجود ندارد و فرد به جمع‌آوری اطلاعات در مورد بدیل‌های مختلف مشغول است. نوجوان که دوره تعلیق هویت را تجربه می‌کند، اگر فرصت کافی برای جست‌وجو کردن داشته باشد می‌تواند هویت مناسبی برای خود بسازد. از طرف دیگر، برخی افراد که در این مرحله قرار دارند به بحران‌های مختلف دچار می‌شوند و این امر می‌تواند موجب سردرگمی آنها شود. بررسی‌های طولانی برای یافتن راه زندگی موفق باعث دست‌یابی افراد به اطلاعات بیشتر، پیچیده‌تر شدن نظام شناختی، انعطاف‌پذیری و در نتیجه، موجب استحکام بیشتر طرز فکر می‌شود. تعلیق هویت در میان جوانان دانشگاهی رواج بیشتری دارد.

مؤنوس می‌نویسد: اگر نوجوانانی که مسائل دوره تعلیق هویت را تجربه می‌کنند فرصت‌های لازم برای جست‌وجو کردن، تجربه اندوختن و کوشش برای ایفای نقش‌های مختلف را در اختیار داشته باشند، شانس خوبی خواهند داشت که خود را کشف کنند، هویتی مناسب را برای خود بسازند و به تعهدات محکمی در مورد اهداف شغلی، دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی دست یابند و نقش هویت جنسی خود را نیز به درستی ایفا کنند (نقی پور قزله، ۱۳۹۰).

۳- **توقف هویت:** افرادی که در مرحله توقف هویت هستند به ایدئولوژی معینی تعهد دارند که حاصل جست‌وجوگری خود آنان نیست، هیچ‌گاه تلاشی برای ارزش‌ها و باورهای خود نکرده‌اند و بیشتر جنبه تقلیدی داشته است. این نوجوانان با والد هم‌جنس خود همانندسازی کاملی کرده‌اند، بین اهداف خود و والدینشان تفاوتی قایل نمی‌شوند و تبعیت آنان از خانواده بسیار قوی است. این افراد درجه بالایی از دنباله‌روی و سنت‌پرستی از خودشان نشان می‌دهند. با دوری از درگیری‌های زندگی برای خود امنیت ایجاد می‌کنند. این‌گونه افراد، ناسازگار و غیرقابل انعطاف هستند و عقاید خود را به صورت سازوکار دفاعی به کار می‌گیرند. توقف هویت در جوامع کوچک سنتی بیشتر است. هرگونه تفاوت نوجوان و جوان از ملاک‌های مورد قبول بزرگسالان با خشونت سرکوب می‌شود و چون تغییر و تحول کم است، جامعه در وضع نسبتاً ثابتی باقی می‌ماند. در یک جامعه متوقف، بسیار آسان‌تر است که فرد در مرحله توقف هویت باقی بماند (سلیمانی، ۱۳۸۹).

۴- **پراکندگی هویت:** افرادی که پراکندگی هویت دارند، نه بحرانی تجربه کرده‌اند و نه تعهدی نسبت به شغل، مذهب و معیارهای زندگی پیدا کرده‌اند. اغتشاش یا پراکندگی هویت از نظر رشدی، پایین‌ترین وضعیت هویت به حساب می‌آید و معمولاً در آغاز نوجوانی در افراد دیده می‌شود. گروهی که در این مرحله قرار دارند، اهداف خاصی ندارند و برای دست‌یابی به آن تلاش نمی‌کنند؛ زیرا چنین کوششی برایشان دشوار است. وضعیت خود را به قضا و قدر نسبت می‌دهند و در هر لحظه هم‌رنگ جماعتی می‌شوند. اینان آمادگی بیشتری دارند که به اعتیاد و کار در مواد مخدر کشیده شوند. در عمق حالت

³ - Marcia

بی تفاوتی و بی‌علاقگی آنها احساس ناامیدی در مورد آینده وجود دارد. تعصبات قومی و مذهبی نزد نوجوانانی که هویت پراکنده دارند شایع است (لطف آبادی، ۱۳۹۵).

نقش ادبیات در هویت یابی کودکان

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می‌شود که به وسیله‌ی متخصصین برای کودکان نوشته می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد، پرورش فکر، تربیت، و شخصیت کودک مورد توجه است. از عواملی که در سازندگی و شکل دهی شخصیت کودکان تاثیر بسزایی دارد، می‌توان به خانواده، مدرسه، اجتماع، رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌های اطلاعاتی اشاره کرد. یکی از مهمترین و ارزشمندترین ابزارهای موثر در رشد و تکامل کودک از جنبه‌های گوناگون (ذهنی، عاطفی، اخلاقی،...) کتاب است. کتاب کودک، ابزاری قوی در انتقال اصیلترین مفاهیم اطلاعاتی به شمار می‌رود. کتاب دریچه‌ای است که دنیای تخیلی کودک را به دنیای واقعی پیوند می‌دهد و او را به ارزش‌های انسانی و اجتماعی رهنمون می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۹).

قصه و قصه‌گویی پدیده‌ای است که قدمت آن به قدمت پیدایش زبان و گویایی آدمیزاد است. آن‌چنان که تقریباً هیچ قوم و ملت کهنی را نمی‌توان یافت که دارای قصه‌ها و حکایت‌های مذهبی، حماسی، اجتماعی و امثال آن نباشد. در همه قرون گذشته قصه‌یک نوع وسیله برای ارضای نیازهای روانی کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان بوده است. به‌طور کلی قصه بیش از سایر وسایل تربیتی در رفتار کودک مؤثر است، به شرط آنکه درست و دقیق انتخاب شود. قصه می‌تواند ریشه بسیاری از انحرافات را در کودکان و نوجوانان بخشکند و تأثیرات عمده تربیتی بر آنها داشته باشد. بچه‌ها می‌توانند با خواندن و شنیدن قصه‌ها به سرمایه‌های تمدن و میراث فرهنگی خود دست یابند، با آداب و سنن جامعه خویش و جامعه جهانی آشنا شوند و خود را برای زندگی آینده آماده‌تر سازند.

قصه‌ها بر خلاف شکل‌های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت می‌کند. قصه به کودک می‌آموزد برای ادامه تکامل شخصیت فردی چه تجربه‌هایی ضروری اند. قصه به کودک قول می‌دهد اگر شجاع باشد و در راه این تلاش طاققت فرسا و مهیب قدم بردارد، نیروهای خیر اندیش و نیکوکار به کمکش می‌آیند و موفقیت او حتمی خواهد بود. قصه‌ها به کسانی که بز دل و تنگ نظرند و کوشش نمی‌کنند هویت خویش را بیابند، اخطار می‌کنند که ناچار خواهند شد به یک زندگی ملال آور و یکنواخت قناعت کنند. البته اگر به سرنوشت بدتری دچار نشوند.

اسطوره‌ها، داستان‌های مذهبی و قصه‌ها، نیروی تخیل کودک را تغذیه و تقویت می‌کنند. این گونه داستان‌ها به مهم‌ترین پرسش‌های کودک پاسخ می‌دهند و عامل مؤثر و مهمی در تربیت اجتماعی آن‌ها هستند. دریغ که این داستان‌ها از کودکان امروز گرفته شده است و به صورت ابر، در فیلم‌ها و سریال‌ها نشان داده می‌شوند و امکان پرورش تخیل را از کودکان می‌گیرند (نورتون، ترجمه راعی و قزل‌ایاق، ۱۳۸۲).

ادبیات به شیوه‌های گوناگون باعث رشد عاطفی کودکان می‌شود. داستان‌های علمی - تخیلی، آن‌ها را به تأمل و اندیشه در باره آینده وای می‌دارد. داستان‌های واقع‌گرای نو کودکان را نسبت به شناخت انسان امروزی و رابطه‌اش با محیط زیست کنجکاو می‌کند. کودک به کمک ادبیات با شیوه‌های برخورد انسان‌ها و دشواری‌های زندگی خود آشنا می‌شود و از شخصیت‌های داستان‌ها می‌آموزد چگونه رفتاری‌های مشابه را رفع و احساس دیگران را درک کند. با الهام از همین تجربه‌هاست که کودکان به نوشتن یا بازگو کردن قصه‌هایی ساخته و پرداخته ذهن خود یا اجرای نمایش بر انگیخته می‌شوند.

جورج شانون می‌گوید: «انسان در دوران کودکی به ارزش‌های ادبیات دست می‌یابد و تأثیر عمیق آن در بزرگسالی پدیدار می‌شود» (قاسم زاده، ۱۳۸۵).

خواندن و آشنایی با ادبیات بر کودکان اثرات متفاوتی دارد، چنان‌که جون گلیزر می‌گوید: «ادبیات در رشد عاطفی کودکان سهیم می‌شود. سهم ادبیات در بروز احساسات و عواطف و به دست دادن تصویری از این احساس‌ها و شناسایی آن است.»

کودکان نسبت به آن چه می خوانند واکنش نشان می دهند. واکنش های کودکان نسبت به ادبیات از پیدایش و پیشرفت عوامل متفاوتی تأثیر می پذیرد و رشد و پرورش زبانی ، شناختی ، اجتماعی و اخلاقی در کودکان بر شیوه برداشت آن ها از یک داستان تأثیر می گذارد.

باورها ، انتظاراتها ، مهارت خواندن ، موقعیت اقتصادی ، اجتماعی ، جنس ، سبک فردی خواننده در خواندن او و اثر پذیری اش دخالت دارند. معمولاً متن های ادبی ساختارهای روایی متفاوتی دارند از نسبتاً ساده در قصه های عامیانه تا طرح های تودرتو ، مفصل و بلند در رمان با درونمایه های در هم پیچیده ، شخصیت پردازی های مشروح و زبان پیچیده . هر گونه ادبی ویژگی منحصر به فردی دارد و کارکردی متفاوت . کتاب ها در انواع گوناگون به کودکان امکان می دهند انگیزه های شخصی و انگیزه هایی را که بر دیگران تأثیر دارند درک کنند و نسبت به آن ها واکنش نشان دهند.

نقش ادبیات در رشد عاطفی روانی کودکان

ادبیات در رشد عاطفی - هیجانی کودکان تأثیر گذاری فراوانی دارد. کودکان به ویژه استفاده از شعر و داستان، می توانند به شناخت احساسات و حالات خود و دیگران دست یابند و با شیوه های بیان عواطف و ابراز هیجان ها به صورت درست، آشنا شوند. و این فرصت را می دهد که امیال و محتویات «تاخودآگاه» خود را تعبیر نموده و محیط زندگی خود را بشناسند. ادبیات می تواند در تقویت عواطف مثبت مانند امید، شادی، محبت، همدلی و ... سهم موثری داشته باشد، همان گونه که در شناخت و تعدیل عواطف منفی از جمله خشم، ترس، اندوه، حسادت، دشمنی و ... نقش موثری دراد. اما تأثیرگذاری ادبیات بر هیجان ها و عواطف کودکان در صورتی امکان پذیر است که نویسندگان آن ها از چگونگی رشد عاطفی - روانی کودکان آگاه باشند: هیجان ها چگونه شکل می گیرند و رشد می یابند؟ کودکان چگونه احساسات و عواطف خود را بیان می کنند؟ چگونه می توان عواطف کودکان را برانگیخت؟ روان شناسی رشد به این پرسش ها که برقراری ارتباط عاطفی آثار ادبی و نویسندگان آن ها را با کودکان امکان پذیر می سازد، پاسخ می دهد(بختیاری، ۱۳۹۵).

هدف کلی پژوهش

بررسی نقش هنر و ادبیات(شعر ، داستان ...) در هویت یابی کودکان

سوال پژوهشی

هنر و ادبیات چگونه می تواند شخصیت و هویت کودکان را شکل داده یا تثبیت کند؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع نظری و روش آن توصیفی - تحلیلی است . برای جمع آوری اطلاعات و داده های لازم از روش کتابخانه ای استفاده گردیده است و با رجوع به اسناد و مدارک موجود در صدد یافتن پاسخ مناسب برای سوال تحقیق می باشد.

نتیجه گیری

آن چه در جمع بندی مطالب بحث شده میتوان عنوان کرد این است که کودکان و نوجوانان سرمایه های ملی هر کشوری محسوب می شوند ، توجه به چگونگی تعلیم و تربیت آنها، تدوین برنامه های مناسب و استفاده از تمامی ظرفیت ها اعم از آموزش های رسمی و غیر رسمی دغدغه اصلی مسئولان هر کشوری به شمار می رود. اسلام این دوره را دوره ی مهم تربیت پذیری، شکلگیری منش اخلاقی و شخصیت فرد، فراگیری سریع، تقلید و تبعیت از الگوها و دوران آموزش های بنیادی می داند. استفاده از ادبیات، مخصوصاً ادبیات کودکان و نوجوانان ابزاری است که تأثیر آن بر روی خوانندگان کم تجربه ی خود در برآوردن نیازهای جسمی، روحی و روانی و رشد شکوفایی استعداد ها در پژوهش های متعددی به اثبات رسیده است . رئوفی منش (۱۳۹۰) در تحقیقی که به بررسی جایگاه هویت فرهنگی ایران در کتابهای کودکان پرداخته بود، یافته ها نشان داد هفت مولفه در زمینه هویت فرهنگی شامل، مولفه های علاقه به آداب و رسوم و سنت های ملی با ۳۴ درصد و علاقه به زبان و ادبیات با ۳۲ درصد دارای بالاترین درصد فراوانی بوده است.

استفاده از ادبیات و هنر فقط به نیازهای روحی و روانی محدود نشده و از آن در جهت افزایش گنجینه لغات خواننده و رویارویی و کسب تجربیات جدید و هویت دینی و اخلاقی کودکان نیز استفاده می‌شود. انسانی که بی هویت باشد انسانی است که اعتماد به نفس ندارد و این اختلال هویت می‌تواند منجر به مشکلات روحی و روانی شود ولی انسانی که از نظر هویتی به یک باور برسد در نهایت به هویت فردی و اجتماعی خود دست پیدا می‌کند و در این میان هنر و ادبیات کمک می‌کند کانال و راه خلاقیت کودک وسیع تر شده و در زندگی فردی خلاق باشد. بنابراین اگر کودکان و نوجوانان، به درک درستی از هویت خود برسد، قدرت تحلیل و تفسیر رویدادهای پیش رو و در نتیجه، توان مقابله با آنها را پیدا خواهند کرد. بدین ترتیب اهمیت این موضوع ایجاب می‌کند که نسبت به ادبیات کودکان حساس باشیم.

و همچنین هنر مجموع هویت آدمی را کشف می‌کند و به آن شفافیت بیرونی می‌دهد، عناصر هویت پراکنده را در انسجام و همبستگی‌شان تصویر می‌کند. هنر ابهام‌ها و زیر و بم‌های هویت را از فراموشی یا نهفتگی سالیان بیرون می‌آورد، از آنها رمززدایی می‌کند (ضمن آن که به آنها غالباً رموز هنری می‌دهد).

در فضای اثر هنری (به ویژه در ادبیات) در واقع تلاقی و برخورد ارزش‌ها و جنبه‌های هویتی عمل می‌کند؛ یک‌بارگی‌ها، عناصر تصادفی و استثنایی‌شان در دیالوگ‌ها تعدیل می‌یابد، شمول کسب می‌کنند و تجربه‌شدنی می‌شوند. هنر هویت انسان و چیزها را انتقال‌پذیر، ثبت شدنی و ماندگار می‌کند.

ادبیات می‌تواند در تقویت گرایش‌های فطری و شکل‌گیری هویت کودکان کمک شایانی کند و دانش آموزان انتظار دارند که کتابهای داستانی و آموزشی پاسخگوی یک یا چند مورد از نیازهای آنها باشد. برای مثال، با مطالعه یک کتاب احساس کنند که به یکی از نیازهای آنها در بعد سلامتی، عاطفی، معنوی، اخلاقی، زیبایی شناختی، علمی، فلسفی و یا اجتماعی پاسخ داده شده است موقعیت آنها از حالت ایستای قبلی به وضعیتی پویاتر تبدیل شده است و یا دانش و مهارت جدیدی را کسب کرده اند، به شناخت بهتری از خود دست یافته اند، رازهای ناشناخته‌ی جدیدی برای آنها معلوم شده، هویت خود را کشف کرده اند و بین درون جهان و بیرون آنها پیوستگی بیشتری به وجود آمده است.

از این رو، در حالی که کتاب از جمله مهم‌ترین وسایل برای انتقال مفاهیم و بالا بردن درجات آگاهی فرهنگی و رشد اجتماعی است، کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران تلاش اندکی در راستای تقویت هویت کرده اند. در این راستا توجه به فرهنگ سابقه تاریخی، هویت ملی و مذهبی، فرهنگی و ارزش‌های اسلامی باید به عنوان مؤلفه‌های لازم اولویت‌های نویسندگان مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر نویسندگان کتب ادبیات کودک برای تقویت هویت باید به صورتی باشد که معنویات کلان کشور در آن متجلی شود. به خصوص که جامعه ایران از دو ویژگی ممتاز و بی‌بدیل برای جلوگیری از پیدایش بحران هویت برخوردار است. ویژگی اول به تاریخ غنی و پر بار ایران ارتباط پیدامی‌کند؛ به نحوی که ایرانیان همواره افرادی مذهبی بوده اند و در حال حاضر نیز با گرایش به مذهب شیعه از تمایزی بی‌بدیل با سایر مسلمانان جهان برخوردار می‌باشند. ویژگی دیگر، توجه به مؤلفه‌هایی مثل وطن‌دوستی، سرود ملی، زبان و خط رسمی می‌باشد که هویت ما را از سایر کشورها مشخص می‌کند. یکی از راه‌های کسب هویت استفاده از کتاب‌های داستان است. کودکان با خواندن کتاب‌های داستانی به اهداف موردنظر دست می‌یابند. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مذهبی و دینی زمینه رشد شناختی کودک را فراهم سازند. قصه‌ها تنها پیام‌های مفیدی برای کودک دارد بلکه اگر به‌گونه‌ای جذاب و مناسب گفته شود کودکان و نوجوانان می‌کوشند خود را باشخصیت‌های آن قصه همانندسازی کنند. والدین و مربیان باید پس از بیان قصه‌های آموزنده به نتیجه موردنظر خود برسند. در این زمینه می‌توانند از کودک نتیجه داستان را بپرسند. با تکرار این روش کودک می‌کوشد از شخصیت‌های مثبت داستان تقلید و خود را به آنها نزدیک کند.

کارشناسان در حوزه‌ی ستادی با توجه به مسایل و نیازهای روز کودکان و نوجوانان مقوله‌های هویت و اثرات آن را مورد بررسی قرار دهند و با در نظر گرفتن اهداف کوتاه مدت برخی مقوله‌های هویت را تقویت نمایند تا کودکان و نوجوانان را از معضل بحران هویت نجات دهند.

هویت مسئله‌ای است که همه‌ی عرصه‌های فرهنگ، تاریخ، اجتماع، ایدئولوژی، سیاست، دین، هنر، ادبیات و ... را دربر می‌گیرد. در مقاله حاضر این مسئله را فقط در حوزه‌ی ادبیات، آن هم از منظر کتابهای داستانی کودکان بررسی کردیم، بی‌تردید

لازم است «هویت» در همه عرصه های یاد شده مطالعه شود، تا به یک دریافت جامع و قابل قبول در حوزه ای از مطالعات فرهنگی که می تواند «هویت شناسی» نام بگیرد دست یابیم.

منابع

- آذری، حجت، بررسی مسئله هویت کودکان و پژوهش های مرتبط با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۹۵
- ایروانی، محمدرضا و یوسفی حمیدی، سلیمه، بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی شهر، نشریه: مطالعات جامعه شناسی، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۴، از صفحه ۱۴۱ - ۱۶۱
- برکت، بهزاد، ۱۳۸۶، هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر ایران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات
- بخشایش، علیرضا، رابطه دین داری و خودشناسی با شکل گیری هویت، سال بیستم - شماره ۱۶۳ - تیر ۱۳۹۰، ۱۱۷-۱۳۲
- بختیاری، محمدرضا، نقش ادبیات کودک در تعلیم و تربیت و پرورش رشد اجتماعی، مجله مطالعات ادبیات عرفان و فلسفه، دوره ۲ شماره ۲/۳، تابستان ۱۳۹۵، ۱۰۰-۱۱۳
- بخشنده بالی، عباس، بررسی مراحل شکل گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۵
- بلیاسی، میثم و قربی، جواد، هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ایران، نشریه: مطالعات ملی: ۱۳۹۴، دوره ۱۶، شماره ۱ (۶۱)، ۴۵ - ۶۶
- نقی پور قزلبچه، میترا، رابطه هویت با نیازهای اساسی روان شناختی در نوجوانان دبیرستانی شهر تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۵.
- روحانی، حسن، «چشم انداز هویت ملی و دینی ایرانی»، در مجموعه مقالات آینده شناسی هویت های جمعی در ایران، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰
- رئوفی منش، صدیقه، بررسی جایگاه هویت فرهنگی ایران در کتابهای کودکان، مقاله ۱، دوره ۱۲، شماره ۱۳ - شماره پیاپی ۴۵، بهار ۱۳۹۰، ۴۰-۹
- سلیمانی، محمدرضا، جهانی شدن؛ بحران هویت و تضعیف تربیت دینی، سال دوم، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۹، ۱۰۹ - ۱۲۵
- شاد قزویی، پریسا، هویت گرایی فرهنگی در ادبیات کودک با ورود عناصر بومی در تصویرگری (با تاکید بر آثار پرویز کلانتری)، جلوه هنر بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۷.
- عبادیان، محمود، هویت در مناسبت با هنر، نشریات فرهنگی، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۷
- علاء الدین، سید محمدرضا، نقش داستان های قرآنی به نیاز های تربیتی کودکان و نوجوانان. کوثر، شماره ۱۶، ۱۳۸۴، ۶۱-۶۹.
- قاسم زاده، فاطمه، ۱۳۸۵، ضرورت آشنایی با روان شناسی رشد در ادبیات کودکان، روشنان؛ دفتر سوم، بهار ۱۳، ۶-
- قاسمی، مژگان، ملکی، زهرا، بنی عامریان، سارا، الهیاری، الناز، ضرورت و نقش تربیت دینی در شکل گیری و هویت بخشی به ادبیات کودکان، دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمود آباد، آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد - دانشکده فنی و حرفه ای محمودآباد، ۱۳۹۶
- کالر، جاناتان، ۱۳۸۵، نظریه ادبی: معرفی بسیار مختصر، مترجم: فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران.
- گل محمدی، احمد، هویت سازی دولت پسندانه هویت اسلامی در داستان های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فصلنامه دولت پژوهی ۲ (۶)، ۱۳۹۵
- لطف آبادی، حسین، ۱۳۹۵، روان شناسی رشد ۲، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ص ۱۳۰
- لورا ای. برک، ۱۳۹۶، روان شناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، انتشارات ارسباران ص ۶۵
- محمدی، مهدی، آزاده، فریدون؛ باب الحوائجی، فهیمه، نقش ادبیات در شکلگیری شخصیت کودکان و نوجوانان با تاکید بر گرایش های دینی و اخلاقی، فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۰، ۱۰۱-۱۲۱
- مهنا، محمدتقی، بررسی راهکارهای تقویت هویت دینی در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه آموزگاران و مدیران مدارس ابتدایی شهرستان لالجین، پایان نامه. دولتی - دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری) - دانشگاه پیام نور استان همدان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۱، کارشناسی ارشد
- نورتون، دونا، ۱۳۸۲، شناخت ادبیات کودکان: گونه ها و کاربردها. مترجمان: منصوره راعی، ثریا قزل ایاغ و دیگران. تهران: نشر قلمرو.



Erikson FE. (1963), "Conceptions of School Cultur: an overview". Educational Administration Quarterly,234 .
Grotevant, HD, Cooper & Catherin, R, (1985), Patterns of interaction in Family relationships and the development of identity exploration in adolescence.child development. Vol 59.special issua.415-428.

Archive of SID